



تحولات تاریخی و هنری شهر بم در دوره پهلوی (با تاکید بر مدرسه احمدیه و خانه سروش زابلستانی)

عباس کمال الدینی^۱، شهرزاد ساسان پور^{۲*}، منیژه صدری^۳، معصومه قره داغی^۴

^۱ گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران abbas_kamaladini@yahoo.com

^{۲*} (نویسنده مسئول) گروه معارف اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، ایران sh.sasanpur@gmail.com

^۳ گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران manijeh_sadri@yahoo.com

^۴ گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران Masomehgaradagi90@gmail.com

چکیده

دوره حکومت پهلوی (۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ ش) در ایران یک دوره متفاوت از نظر فرهنگی و هنری بود. در این دوره تحولات نوینی در ساختار کالبدی، معماری و شهرسازی ایران ایجاد شد که با دوره قاجار متفاوت بود. در این میان، عوامل داخلی در زمینه اوضاع سیاسی، تحولات تاریخی و فکری، تغییرات اجتماعی و عوامل خارجی در خلال انتقال دوره قاجار به پهلوی در نحوه ساختار کالبدی شهرها و شهرسازی دوره پهلوی بسیار حائز اهمیت است. شهر تاریخی بم یکی از شهرهایی است که از نظر معماری در این دوره تاریخی تحولاتی را پشت سر گذاشته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی در صدد پاسخگویی به این سؤال است که مهم‌ترین عامل مؤثر در تحولات تاریخی- هنری شهر بم در دوره پهلوی چه بود. برای این واکاوی دو بنای شهر بم؛ مدرسه احمدیه و خانه سروش زابلستانی به عنوان آثار معماری مربوط به دوره پهلوی به عنوان نمونه معماری این دوره بررسی می‌گردد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که تقلید از الگوی غرب، اصلاحات ارضی و پیامدهای آن و سیطره مدرنیته از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تحولات تاریخی- کالبدی شهر بم در دوره پهلوی بود که در نتیجه آن بافت میانی و بافت جدید در اطراف بافت قدیم شهر بم ایجاد شد. این موضوع به نوبه خود منجر به گسترش شهر بم به سوی مزارع و باغات، مهاجرت روستائیان به شهر بم و گسترش حاشیه‌نشینی و بورس‌بازی زمین گردید.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین تحولات تاریخی و هنری شهر بم در دوره پهلوی.

۲. بررسی بازتاب تحولات تاریخی و هنری شهر بم در دوره پهلوی در آثاری معماری این شهر.

سوالات پژوهش:

۱. عوامل مؤثر در تحولات تاریخی- هنری شهر بم در دوره پهلوی چه بود؟

۲. مدرنیته چه تأثیری بر تحولات معماری شهر بم در دوره پهلوی داشت؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۵

دوره ۱۹

صفحه ۵۶۰ الی ۵۷۹

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

تحولات تاریخی و هنری،

شهر بم،

دوره پهلوی،

معماری.

ارجاع به این مقاله

کمال الدینی، عباس، ساسانپور، شهرزاد،

صدری، منیژه، قره داغی، معصومه.

(۱۴۰۱). تحولات تاریخی و هنری شهر بم

در دوره پهلوی (با تاکید بر مدرسه احویه و

خانه سروش زابلستانی). مطالعات هنر

اسلامی، ۱۹(۴۵)، ۵۶۰-۵۷۹.



[dori.net/dor/20.1001.1](https://doi.org/10.22034/IAS)



[dx.doi.org/10.22034/IAS](https://doi.org/10.22034/IAS)

۲۰۲۲.۳۱۴۵۶۲.۱۷۹۴

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری/ پایان نامه "عباس کمال الدینی" با عنوان "تحولات تاریخی و هنری شهر بم در دوره پهلوی است که به راهنمایی دکتر "شهرزاد ساسان پور" و مشاوره دکتر "معصومه قره داغی" در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه "دانشگاه آزاد اسلامی" واحد "شبستر" ارائه شده است.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در دوره صفویه برای اولین بار مردم بم از قلعه و بخش قدیم پای به نواحی بیرونی نهادند، اما قلعه را به صورت کامل ترک نمودند. در دوران قاجار و متعاقب ورود مدرنیته به ایران، به تدریج از شهر قدیم خارج شده و در نواحی جنوبی اطراف قلعه بم و در اطراف رودخانه تهرود اقدام به ساخت منازل کردند. برپایی حجره‌هایی در صحن امامزاده اسیری از سوی برخی تجار هرنندی، یزدی، هندی و... زمینه‌های ایجاد یک بازار که در واقع راهروی ارتباطی شهر و قلعه قدیمی بم با بخش جدید آن را ایجاد نمودند. متعاقب احداث بازارهایی همانند امیر نظام، حمام‌ها و خیابان جدید در زمان عبدالحسین میرزا فرمانفرما تحولات کالبدی محسوسی در این شهر به وجود آمد. با کاشت درختان نخل، مرکبات، انار و... کاربری این شهر از اداری، سیاسی و تجاری به کشاورزی تغییر یافت و تبدیل به یک باغ شهر شد. علی‌رغم گذر ایران از سنت به مدرنیته در دوره قاجار و تحولات تاریخی - کالبدی شهر بم منجر به خالی شدن کامل بخش قدیمی بم از سکنه نشد. با گسترش روند مدرنیته در ایران دوره پهلوی به تقلید از غرب تغییراتی در ساختارهای مختلف صورت گرفت و در شهرسازی و معماری نیز بازتاب یافت. محور کلیدی پژوهش حاضر پاسخگویی به اثرات و پیامدهای مدرنیته در تحولات تاریخی - کالبدی شهر بم در دوره پهلوی است.

درباره اثرات مدرنیته در شهرسازی و تحولات کالبدی شهرها؛ وضعیت شهرنشینی و شهرسازی در ایران دوره پهلوی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. حبیبی (۱۳۸۳) در «از شار تا شهر» اطلاعات جامع و کاملی از نحوه شهرنشینی و تحولات کالبدی شهرهای ایران در طول تاریخ ارائه نموده است. رجبی (۱۳۵۵)، در «معماری ایران، دوره پهلوی» به ویژگی‌های معماری و جابری مقدم (۱۳۸۴) در «شهر و مدرنیته» به تأثیرات مدرنیته در نظام شهری ایران و حسین‌زاده دلیر (۱۳۸۴) در مقاله «مدرنیسم و تأثیر آن بر معماری و شهرسازی ایران»، به اثرات متفاوت مدرنیته در شهرسازی و معماری ایران پرداخته است. از میان آثار نویسندگانی که به تحولات شهر بم در دوره پهلوی توجه کرده‌اند می‌توان به اثر نوربخش (۱۳۵۵) که به تحولات تاریخی شهر بم، روند شهرسازی آن در طول تاریخ بررسی نموده، اما به تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی آن نپرداخته است. حسن کریمیان (۱۳۸۳) در دو مقاله خود به شکل کلی به تحولات تاریخی و شهرسازی بم پرداخته است. اما پژوهش مستقلی در باره تحولات تاریخی - کالبدی شهر بم در دوره مدرنیته و پهلوی با تأکید بر اثرات مدرنیته در تحولات کالبدی این شهر تدوین نشده، در پژوهش حاضر تلاش گردیده تا به آن پرداخته شود. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

۱. تحولات شهرسازی و معماری در دوره پهلوی

در فرایند توسعه شهری، تحولات کالبدی و شکل شهرهای ایران، قبل از سلسله پهلوی عوامل محیطی، دفاعی - امنیتی و ژئوپولیتیک و از آن پس تا کنون عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فن‌آورانه نقش آفرین بودند (رهنمایی و شاه حسینی، ۱۳۸۶: ۲۲۸-۲۲۷). در آستانه سقوط دولت قاجار وحشت از تجزیه و نا امنی بعد از انقلاب مشروطه،

موجب پررنگ شدن گرایش‌های ناسیونالیستی و واژه‌های میهن و ملیت، هویت ملی شد که در نتیجه آن اکثر مشروطه خواهان و تجدد طلبان طرفدار قانون و آزادی، لزوم روی کار آمدن «دیکتاتور مصلح» را حس نموده و با دیکتاتوری رضاشاه کنار آمدند (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۲۱۱؛ غنی‌نژاد، ۱۳۷۷: ۳۲)، زیرا تنها راه مدرنیته و تجدد را در ناسیونالیسم متمرکز و اقتدارگرایانه تلقی می‌کردند. با این وجود متعاقب قدرت‌گیری رضاشاه روابط پیشین حاکم بر جامعه ایران در قالب تجدد طلبی و تأکید بر دگرگونی‌های روابط کهن، با استفاده از دیوانسالاری و نیروی نظامی مستقل و قوی (نه با تکیه بر سازمان قومی-عشیره‌ای)، استیلای خود را بر هر سه جامعه شهری، روستایی و ایلیاتی گستراند. پس از خاتمه جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴م) وی با تقلید و الگو قرار دادن جامعه و شهرهای غربی به عنوان آرمان شهر (حبیبی، بی‌تا، ش ۵) برای ارائه چهارچوب جدیدی در زمینه تغییر شکلی کشور تلاش نمود. گسترش دیوانسالاری دولتی در شهرها، فاصله گرفتن جامعه شهری از روستاها و ایلات، هجوم سرمایه و کالای خارجی و مصرفی شدن کشور، تأکید بر مالکیت خصوصی با تدوین قانون ثبت املاک و اسناد، تکیه بر سرمایه نفتی و... در کشور اثراتی را برجای نهاد (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۴۹؛ اعتماد، ۱۳۶۳: ۳۰-۲۸). در واقع رضاشاه محصول ناسیونالیسم رمانتیک و فضایی بود که بعد از جنگ جهانی اول ایران را فرا گرفته بود. در این زمینه بسیاری از روشنفکران بر مسائل ناسیونالیستی، باستان‌گرایی با هدف تأمین تمامیت ارضی کشور، ایجاد ملت واحد و زبان مشترک، کوتاه کردن دست عشایر، حکام محلی و... تأکید می‌کردند (انتخابی، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

رضاشاه در دوران حکومت خود تحت تأثیر گرایش‌ها و نگرش‌هایی همانند باستان‌گرایی (صارمی، ۱۳۷۶: ۴۵) مدرنیزاسیون (همان، ۴۵؛ بانی، ۱۳۸۸: ۱۳۴)، نظامی‌گری (تحت تأثیر آلمان نازی) (کیانی، بی‌تا: ۱۴۴)، استفاده از خارجیان در شهرسازی و معماری (اعتصامی، ۱۳۶۴: ۹۴/۳)، گرایش به ایجاد ساختمان‌های صنعتی و کارخانه‌ها (رجبی، ۱۳۵۵: ۶۸؛ آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۶۶؛ کیانی، بی‌تا: ۲۴۵) قرار داشت. همچنین چهار گرایش فکری اصولگرا، بوم‌گرا، نوواره و نوپردازانه در شهرسازی ایران به وجود آمد که پایه آن ایجاد خیابان‌های صلیبی (برگرفته شده از اروپای قرن ۱۹م)، توسعه شطرنجی، منطقه‌بندی و فرسوده‌انگاری بافت کهن بود (وحدت‌نژاد، ۱۳۸۶: ش ۳۱). در این میان غرب‌ستایی، تجددطلبی و مدرنیسم سرلوحه کار حکومت قرار گرفت. تحولات مهم در ساختار اقتصادی نیز در کشور به وجود آمد که در نتیجه آن روستاها تضعیف و شهرها، بازارهای شهری، معابر و راه‌های ارتباط شهری و میان شهری گسترش یافتند (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۱: ش ۲۵، ۱۹۴؛ مسعودی، بی‌تا: <http://mehreganmag.com/contents/mehregan5>).

در حقیقت عوامل حکومتی در دو بُعد غیر فیزیکی (ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی) و عامل فیزیکی (کالبد شهری و فنی) در معماری و شهرسازی دوره پهلوی موثر بوده و در راستای مدرن‌سازی از الگوهای غربی تقلید نمودند. علاوه بر این در خلال سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۱۰ش عامل مدرن‌گرایی در ابعاد کیفی و کمی در معماری و شهرسازی تحت تأثیر عامل خارجی بخصوص حضور کارشناسان و معماران بیگانه (صارمی، ۱۳۷۶: ۴۵؛ حسامیان، ۱۳۶۳: ۳۰-۲۸) و دانش آموختگان معماری بازگشته از اروپای مدرن (بانی، ۱۳۸۸: ۱۳۴) نقش آفرین شد.

در این میان، اولین تغییرات کالبدی در پایتخت صورت گرفت. مدرنیزاسیون دوره رضاشاه با شعار پیشرفت و توسعه از بالا به زور و اجبار، با انتخاب سرتیپ کریم بوذرجمهری به ریاست بلدیه (شهرداری) اعمال شد. رضاشاه در ۱۳۰۹/۱۹۳۰م با استفاده از اداره بلدیه برای طراحی شهر جدید تهران و جایگزینی آن به جای شهر قبلی به تهیه اولین نقشه خیابان‌ها، تخریب دارالخلافه ناصری و ایجاد خیابان‌های جدید شاه و رضا پهلوی با محورهای شرقی- غربی و شمالی- جنوبی در شهر تهران اقدام کرد و آن را در سراسر شهرهای مهم ایران عملیاتی نمود. بدین ترتیب توسعه شهرسازی ایران در دوره پهلوی مقارن با سال ۱۳۱۱ش. با تخریب برج هشت ضلعی شهر تهران آغاز شد (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۱: ۱۴۴). متعاقب صدور قانون تعریض و توسعه خیابان‌ها در ۱۳۱۲ش (به تبعیت از اقدامات بارون اوسمان در پاریس، که معیار تغییر شبکه معابر در بسیاری از کشورهای جهان شد)، تعریض معابر برای ورود خودرو و اتوموبیل در بافت‌های قدیمی، ایجاد میدان‌ها و ساختمان‌های مدرن، به بافت سنتی شهرها (بخصوص اصفهان، یزد و کاشان) آسیب جدی وارد نمود (مزینی، ۱۳۸۱: ۳۳۹). علاوه بر این، دیوارهای کهن شهرها تخریب و خیابان‌ها بر روی قنات‌ها احداث گردید و همه شهرهای ایالتی به پایتخت وابسته شدند. در ۱۳۱۶ش متخصصان فرانسوی اولین نقشه شهر تهران را بر اساس شهرسازی بین‌المللی تهیه نمودند. در ۱۳۲۰ش قانون اصلاح توسعه معابر صادر گردید و فضای خیابان‌ها و ساختمان‌های مشرف از فضاهای پشتی جدا شد. به سرعت شهر تهران با نقابی از تجدد به اماکنی از قبیل بیمارستان، دانشگاه، کارخانه، ایستگاه راه آهن و... مجهز گردید (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۶۷-۱۵۹). نمود اصلی تحول در ساختار کالبدی شهر تهران در نتیجه مدرنیته بنای ساختمان‌های نوین، به‌خصوص تأسیس دانشگاه تهران در اراضی خارج از شهر (همان، ۱۸۳-۱۷۴) و ایجاد میدان انقلاب بود. دوران رضاشاه که دوران عملیاتی شدن مدرنیته و نوسازی در ایران است، کالبد شهرسازی با تحولات عمیقی مواجه گردید.

در نتیجه این تحولات بخش‌های شمال شهر شکل گرفت و خیابان‌های چلیپایی به عنوان نمادی از تجدد در بافت کهن شهری شکافی ایجاد نمود و به سازمان محله‌ای و بازارهای اصلی شهر که همسان ستون فقرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر بودند، ضربه‌ای مهلک وارد آمد. در حکومت رضاشاه تنوعی در سبک معماری و شهرسازی با توجه به سه نوع تفکر پدید آمد که عبارتند از: دوری نمودن از تفکر سنتی و مذهبی، اندیشه احیای اقتدار ایران باستان و نگرش مدرنیزاسیون که موجب پیدایش بناهایی با شیوه‌ی تلفیقی یا التقاطی گردید. (خبرگزاری یزد فردا: <http://yazdfarda.com/iranfarda/news/1391/09/57534.html>). طرح‌های عمرانی در فاصله سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۲۰ش حاکی از آن است که: حذف مفاهیم کهن و جایگزینی مفاهیم جدید در شهرسازی، تبدیل میدان‌ها و دروازه‌ها به مکان خاطره‌ها، مداخله ارادی در بافت‌های کهن شهری، پاره پاره شدن سازمان اجتماعی، فرهنگی شهر، در هم شکستن چهارچوب سکونتی شهرها و محلات، گرفتاری شهر در مجموعه‌ای از روابط آشفته و نامفهوم اجتماعی و فرهنگی و... موجب شد تا شهرها بدون هیچ فضای کالبدی متشکل از تعدادی بلوک شهری شوند (که به وسیله خیابان‌های اطراف به هم مرتبط می‌شدند) ایجاد وحدت شکلی در محدوده خیابان‌ها و میادین (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۷۴-۱۶۷) و... مورد توجه قرار گرفت.

رضاشاه با اتکاء به بیگانگان از یک سو موفق به ایجاد یک دولت واحد و تمرکزگرا متکی بر انگیزه آرمان‌گرایانه باستانگرایی گردید که در شهرسازی و کالبد شهری به خوبی نمایان شد. وی یک الگوی خطوط راست (رایج در قرن ۱۹م) را برگزید که خیابان‌های اصلی و فرعی دامنه شهر را از هم مشخص می‌کرد. نتیجه نهایی آن به ایجاد یک شهر گشاد با یک هسته مرکزی منتهی شد که بیانگر نظام متمرکز و واحد بود (فقیه، بی‌تا: ۴). از سوی دیگر ساختار قدرت رضاشاه در ایجاد و ارائه یک معماری و شهرسازی برون‌گرا موفق شد و با استفاده از برگرفتن حجاب، نمایش بی‌نقاب ساختمان‌های باشکوه و عظمت، خیابان‌های عریض و کوچه‌های صاف خود را نمایان کرد و پنجره‌ها یکی پس از دیگری به روی کوچه‌ها و خیابان‌های جدیدالاحداث گشوده و دیوارهای حیاط‌ها کوتاه‌تر شدند.

ویژگی برجسته این مدرنیزاسیون عامل بیرونی و تحمیل مدرنیته غرب بود (جابری مقدم، ۱۳۸۴: ۲۴۹-۲۴۸). مهمترین پیامدهای تأثیر مدرنیسم بر معماری، شهرسازی و ساختار کالبدی شهرهای ایران عبارتند از: تخریب حصار شهرها، تغییر بافت‌های اندام‌وار به اشکال هندسی، استفاده اقتصادی در معماری به سبک بساز و بفروش، بهره‌گیری از تکنولوژی غربی در ترکیب با اقلیم و تکنولوژی سنتی، پیدایش سبک جدیدی از معماری تحت عنوان معماری سیمانی به دلیل استفاده از مصالح جدید به ویژه بتن، فولاد و شیشه (حسین‌زاده دلیر، هوشیار، ۱۳۸۴: ۲۱۷)، توجه به جنبه‌های عملکرد حوزه‌های متفاوت شهری به جای کیفیت فضاهای شهری و معماری موجود، ایجاد شبکه‌های حمل و نقل شطرنجی، سریع و تک‌عملکردی (احمد پور، وفايي، ۱۳۹۶: ۷۴). علاوه بر این اثرات نظامی‌گری در نمای ساختمان‌های دوره رضاشاه (تحت تأثیر اقتدار آلمان نازی) نیز به صورت بناهای بلند و باشکوه، ستون‌های مرتفع و کشیده، استفاده از نشانه‌ها و عناصر خطی- عمودی در نمای بناها بخصوص ستون و پنجره‌ها بروز یافت (مختاری طالقانی، ۱۳۸۸: ۷۰).

پس از خروج رضاشاه در ۱۳۲۰ و قدرت‌یابی محمدرضاشاه در ایران، در مفهوم شهر، شهرسازی و کالبد شهری دگرگونی ایجاد گردید. شاخص‌هایی همانند استحاله ایران در نظام سرمایه‌داری غرب، ورود ایران به اقتصاد کارخانه‌ای، ظهور صنایع مونتاژ، تکیه ایران بر اقتصاد نفتی، تبدیل جامعه ایران به مصرف‌کننده کالاها، مهاجرت روستائیان به شهرها در نتیجه ایجاد سوداگری پول و سرمایه از طریق بخش خدمات، تلقی شدن کهنگی و عقب‌ماندگی بافت و سازمان فضایی شهرها، ایجاد انواع شهرها (شهرهای سراب، فریب، وابسته، تقلیدی)، دخالت دادن شاخص‌های مادی و عینی در کالبد شهرها و غیره در ایجاد این دگرگونی نقش آفرین بودند (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۵۸-۱۵۳). از سویی مهمترین شاخصه‌های دوره پهلوی گرایش به مدرنیزاسیون بود که در دوره حکومت محمدرضا شاه نیز تداوم یافت. اما درآمدهای حاصله از صنعت نفت، تصویب قوانین و برنامه‌های گوناگون توسعه اقتصادی- اجتماعی و تأسیس نهادهای مختلف در دوره محمدرضا شاه موجب ساختارمند شدن فرایند تولید فضا و ساختار کالبدی شهرها شد. در این میان غرب‌گرایی، تجدد طلبی و مدرنیسم در تداوم دوران پیشین سرلوحه کار حکومت محمدرضا شاه قرار گرفت.

در خلال سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۰ دولت پهلوی در طی ۳ مرحله تعداد ۵ برنامه اصلاحی و توسعه اقتصادی ارائه داد. در مرحله اول: (۱۳۲۰-۱۳۲۲ش) مسائلی مانند مهاجرت روستائیان به شهرها، توسعه شهرها در مسیر خیابان‌ها، حضور تحصیل‌کردگان و تجدیدطلبان در شهرها، شکل‌گیری محلات اعیان و اشراف در برابر محلات فقیرنشین، توجه به طرح‌های شطرنجی در احداث خیابان‌ها به جای طرح‌های چلیپایی، تمرکز فعالیت‌های عمرانی در پایتخت، استفاده بسیاری از فرادستان از اراضی کشور در نتیجه قانون ثبت اسناد و املاک، تصویب لایحه شهرداری، تشکیل انجمن شهر، مفهوم جدید شهر و شهرسازی، تصویب طرح لایحه قانونی ثبت اراضی موات از سوی دولت در جهت گسترش شهر، حضور سبک‌های بین‌المللی در شهرسازی، گسترش ساخت مسکن و... موجب دگرگونی در مفاهیم کهن معماری، شهرسازی و ساختار کالبدی شهرها گردید. در برنامه عمرانی اصلاحات اجتماعی، شهری و کشاورزی، گسترش راه‌های مواصلاتی و راه آهن، صنایع، معادن، نفت، پست، تلگراف و تلفن مورد نظر بود (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۸۶؛ مشهدی‌زاده دهقانی، ۱۳۷۴: ۷۵-۷۳؛ حسامیان، ۱۳۶۳: ۵۵-۵۴).

در مرحله دوم: در خلال سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۳۲ش، مسائلی از قبیل تبدیل ایران به کشوری تک محصولی بر اساس صادرات نفتی و وابستگی سیاسی- نظامی ایران به جهان سرمایه‌داری مطرح شد. برنامه‌های شهرسازی ایران بار دیگر در ۱۳۳۶ از سر گرفته شد و با فعالیت دو تیم به سرپرستی یک شهرساز آمریکایی و یک شهرساز آلمانی در شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، رشت، تبریز و کرمانشاه آغاز شد. اما عواملی همانند: عدم امکانات مالی، فنی و قانونی، عدم آشنایی متخصصان خارجی با محیط و شرایط ایران، موقتی بودن مأموریت آنان، موجب شد تا تیم‌های مزبور اقدامات چندانی را صورت ندهند. با این وجود برای ۹۹ شهر ایران طرح‌های هادی و نیز در ۱۳۴۴ برای ۸ شهر طرح‌های جامع تهیه و تدوین گردید. پس از آن طرح‌های توریستی برای کرانه دریای خزر مطرح شد. سرانجام با تأسیس دوره‌های شهرسازی در دانشگاه تهران و سایر دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها، تا حدودی مشکل کمبود نیروی متخصص مرتفع گردید (مزینی، ۱۳۸۱: ۳۴۱-۳۴۰). در پی سیاست درهای باز اقتصادی انقلاب سفید در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۴۰، پیامدهای اصلاحات ارضی و گسترش سیل مهاجرت‌های روستائیان به شهرها؛ تصویب قانون تملک آپارتمان‌ها در ۱۳۴۰ (اعتماد، ۱۳۶۳: ۹۵-۸۲؛ حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۹۹-۱۹۲؛ حائری، ۱۳۸۶: روزنامه اعتماد ملی، ش ۵۴۰ به تاریخ ۸۶/۹/۲۹)، ایجاد صنایع مونتاژ و قطب‌های صنعتی در شهرهای اصفهان، اراک، تبریز و قزوین، دوران مهار گسیخته شهرنشینی در ایران آغاز شد. افزایش قیمت نفت و تحولات گسترده مدرنیزاسیون جامعه، بدون توجه به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی موجب دو قطبی شدن جامعه شهری شد. حاشیه‌نشینی، شهرک‌سازی، و رشد بادکنکی شهرها نیز گسترش یافت (مسعودی، <http://mehreganmag.com/contents/mehregan5>، هویت-شهری-در-ایران-)

مرحله سوم: متعاقب رشد شهرنشینی (۱۳۵۷-۱۳۴۵ش) و تحقق طرح‌های عمران جامع شهری بار دیگر در مفهوم شهر دگرگونی ایجاد شد. تقسیم کالبدی و فضایی شهرها توسط طرح‌های جامع، نوسازی در بافت کهن و تقابل سنت و مدرنیته، میل به ایجاد شهرهای جهانی (بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، طبیعی و انسانی)، گسترش

شهر بر مبنای رشد روز افزون بخش خدمات و رشد جمعیت، سوداگری زمین، ایجاد بحران مسکن و پرتاب اقشار فقیر به نواحی دوردست شهر و حلبی آبادها بخصوص در پایتخت (مشهدی‌زاده دهاقانی، ۱۳۷۴: ۸۱؛ حبیبی، ۱۳۸۳: ۲۰۴-۲۰۰)، رشد شهرک سازی در اراضی دور و نزدیک شهرها، تبدیل روستاهای نزدیک شهرها به شهرک‌های جدید، سود آوری خرید و فروش اراضی، ساخته شدن اراضی غیر مجهز به اماکن مسکونی، حرکت فرادستان به حومه‌های مرفه، ایجاد شکاف عمیق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از یک سو میان تهران و سایر ایالات، از سوی دیگر میان شهرها و روستاها، شناخته شدن روستائیان به عنوان شهروند، کاهش سهم کشاورزی، رشد محدود صنایع و تأکید بر بخش خدمات و.. صورت گرفت که نمایان‌گر تلاش دولت برای هویت‌زدایی از جامعه و دگرگونی محتوایی آن، تضاد و تقابل دولت و جامعه بر سر تجدد طلبی و نوگرایی بود. اما با این وجود در پایان دوره پهلوی بافت‌های کهن شهری تخریب، ارزش‌ها و بنیان‌های اجتماعی کالبد کوی‌ها، گذرها، محلات و هویت شهرها فروریخت و شهرها از نظر محتوایی و درونی تهی شدند (حبیبی، ۱۳۸۵: ۴۷؛ حسامیان، ۱۳۶۳: ۵۷). سرانجام در پایان دوره‌ی پهلوی در شهرها ظهور ترکیبی نا متجانس از کلیه‌ی سبک‌های معماری اروپایی و آمریکایی تا بساز و بفروش ایجاد گردید که تا کنون نیز ادامه دارد (نصر، ۱۳۸۳: ۲۱-۲۰).

۲. تحولات تاریخی - کالبدی شهر بم در دوره پهلوی با تکیه بر مدرسه احمدیه و خانهٔ سروش زابلستانی

هسته اولیه شهر بم، قبل از ورود اسلام به ایران در یک فضای کالبدی مدور شکل گرفته و شامل سه عنصر ارگ، شارستان و روض بوده است. با گسترش شهر اولیه بم به سمت نواحی غرب به تدریج محلات آن شکل گرفت (مشهدی‌زاده دهاقانی، ۱۳۷۴: ۴۲۸-۴۲۴). پس از سرکوب آقاخان محلاتی توسط محمدشاه قاجار، مردم بم از بخش قدیمی و ارگ خارج شده و در نواحی جنوبی اطراف آن سکنی گزیده و شهر جدید بم را گسترش دادند. اواخر دوره قاجار شهر بم از سمت جنوب به امامزاده زید و رودخانه، از سمت غرب به بید آباد و مسجد سعدالدوله و از سمت شمال به رودخانه پشت رود محدود می‌شد (محلاتی، ۱۳۷۱: ۱/ ۱۴۶). در نتیجه پیامدهای مدرنیته، در دوره پهلوی در اثر تغییرات سیاسی، اجتماعی، شیوه زندگی مردم، نوع معماری و چهره شهرها از جمله شهر بم تغییر اساسی کرد. رضاشاه در ۱۳۰۹ ه.ق وارد بم شد سپس فرمانی مبنی بر خروج نظامیان از قلعه این شهر و انتقال ژاندارمری آن به زمین‌های محصور شده در میان باغ‌های مشجر و کشتزارهای سرسبز ناحیه جنوب غربی قلعه بم را صادر نمود. با انتقال بخش نظامی قلعه ارگ علیا به سربازخانه جدید، قلعه تاریخی بم کاملاً متروک و خالی از سکنه شد. دو عراده توپ موجود در قلعه ارگ بم به تهران منتقل و کاربری نظامی قلعه پایان یافت. در واقع متعاقب صدور قانون احداث و توسعه معابر و اقدامات شهرداری‌ها و صدور قانون ثبت املاک در ۱۳۰۷ فعالیت در زمینه شهرسازی و تغییر کالبدی شهرها گسترش یافت. مهمترین تغییر کالبدی شهر بم پیدایش خیابان‌ها، میدان‌های جدید، تعریض خیابان‌های قدیمی و استفاده از الگوی رایج ایجاد خیابان‌کشی عمود بر هم بود. در این زمینه به فرمان رضاشاه در ۱۳۰۹ غلامحسین خان عامری موظف به احداث خیابانی در شهر بم گردید که به صورت عمودی از شمال به جنوب و از مرکز شهر به سمت جنوب آن امتداد

داشت. این خیابان با درهم کوبیدن بخشی از بناهای شهر جدید بم واقع در خارج قلعه احداث گردید و بخشی از باغات خوانین بم همانند: غلامحسین عامری، سردار مجلل و... را نیز در بر گرفت که با حصارکشی به احداث باغات وسیع مرکبات، خرما و عمارات اشرافی در وسط آن‌ها پرداختند. اولین خیابان شهر بم را که انتهای شمالی آن به یخدان بزرگ قدیم بم - حوالی محله سرابستان که در آن دوران به صورت گورستان عمومی شهر، واقع در ناحیه غرب درآمده بود، خیابان بهمن نام گرفت (اسعدپور بهزادی، ۱۳۷۹: ۱۳۱؛ معینی فر، ۱۳۷۶: ۱۲۰-۱۱۹). برای برنامه‌ریزی و توسعه بم یک طرح طولی در نظر گرفته شد. در این دوره محدوده بم مانند اواخر دوره قاجار بود، با این تفاوت که قسمت جنوبی رودخانه وسط شهر یعنی محلات محداب، قصر حمید و عیش‌آباد کنونی به محدوده بم افزوده شدند. در سال‌های بعد خیابان‌های دیگری در بم ایجاد و به خیابان اصلی متصل شدند. به تدریج مغازه‌ها و دکان‌ها و ساختمان‌های اداری در خیابان‌های مزبور احداث شدند (محلّاتی، ۱۳۷۱: ۱۴۸/۱).

بیمارستانی در شهر بم احداث گردید که در ۱۳۸۳ با شماره ثبت ۹۵۸۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید (طرح ویژه ساختاری و تفضیلی شهر بم، ۱۳۸۳: ۱۰/۳۶). نخستین گام در راستای نوسازی بم، تغییر نظام اداری متناسب با نهادها و موسسات نوین، تدوین قوانین مختلف مانند: ثبت املاک، شهرداری‌ها، تعریف معابر و مسائل ناشی از نوسازی‌ها بود (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۱: ۱۴۴-۱۴۳). ایجاد منازل جدید در کنار خیابان‌ها، اهمیت دادن به نمای ساختمان‌ها از دیگر ویژگی‌های کالبدی شهر بم در این دوره است (محلّاتی، ۱۳۷۱: ۱۵۸/۱). درباره مسائل مرتبط با ساختار کالبدی بم، گزارش‌ها و اسنادی در دست است. در گزارش و سندی در باره اجاره ملک مسکونی در بم و اختصاص آن به اداره پست در ۱۳۰۷ (ساکما، شماره سند ۲۴۰۰۳۹۸۷۷) و گزارش حاکم شهرهای بم و نرماشیر، فتحعلی‌خانی معروف به باباخان وکیل در خصوص مدارس دولتی و ملی بم و تقاضای افزایش اعانه مدرسه ملی پهلوی و تشویق مدیر این مدرسه (آقای مدرس‌زاده موسس اصلی مدرسه مزبور) در ۱۳۰۸ - به شماره - ۲۹۷۰۲۸۶۰۶ - مورخ ۸/۱۲/۸ موجود است. بر اساس این گزارش شهر بم در ۱۳۰۸ دارای یک مدرسه اناث دولتی و یک باب مدرسه ذکور دولتی و دو مدرسه ملی بوده که یکی از آنها از وجوه موقوفه (پدران) اداره می‌شد. یک باب از دو مدرسه ملی (به نام مدرسه ملی پهلوی) از ۱۳۰۴ در اثر رقابت‌های محلی تأسیس شد و با استفاده از اعانه دولتی به مبلغ ماهی ۲۵ تومان اداره می‌شد. افزایش هزینه‌های مدرسه موجب نگرش این نامه و تقاضای باباخان وکیل (حاکم وقت شهرهای بم و نرماشیر) جهت افزایش اعانه ماهیانه مدرسه به میزان ۵۰ تومان و تشویق مدیر آن مدرس‌زاده شده است (ساکما، شماره سند، ۲۹۷۰۲۸۶۰۶، شماره میکرو فیلم ۲۰۹/۱۶۳).

متعاقب اصلاح قانون تقسیمات کشوری در ۱۳۱۶ ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد. شهر بم در استان کرمان همراه با سیستان، بلوچستان و هرمزگان و با مرکزیت ۵ شهر، کرمان، بم، خاش، زابل و بندرعباس در مجموع استان هشتم کشور را تشکیل و بم به لحاظ بنیه اقتصادی به مرکزیت شهری در آمد. همچنین منطقه بم از چنان اهمیتی برخوردار بود که نواحی رودبار جنوبی، قلعه گنج، جیرفت (سبزواران)، کهنوج، منوجان، عنبر آباد، فاریاب و بخش‌های گلباف، راین، ساردوئیه، گلزار و لاله‌زار، مشیز (بردسیر)، بندرعباس، میناب، جاسک، قشم، خاش، قصرقند و

ایران‌شهر تابع شهرستان بم شدند؛ لذا نقش سیاسی و اداری جایگزین نقش نظامی بم شد. و شهر بم در کنار اهمیت تجاری و کشاورزی به رشد فزاینده ساختار کالبدی و فضای شهری آن کمک کرد (محلّاتی، ۱۳۷۱: ۱/۱۵۱).

در دوران مزبور مرمت‌هایی در بخش قدیم و تحولات کالبدی در شهر جدید بم صورت گرفت که عبارتند از:

۲.۱. مرمت‌های شهر و بخش قدیم بم

ارگ بم در طول تاریخ به دلایل انسانی و طبیعی در معرض تخریب قرار گرفته به گونه‌ای که در زمینه بردن خاک ارگ توسط اشخاص ناشناس، «ابو عامری» شهردار وقت بم در ۲۷ آذر ۱۳۳۵ نامه‌ای برای حسین لباف‌زاده مأمور کشتارگاه و قلعه بم ارسال نموده و در آن، ضمن اشاره به یادداشت فرماندار وقت در زمینه برداشتن خاک قلعه ارگ بم توسط افراد ناشناس، به وی گوشزد نموده که در صورت عدم پی‌گیری و گزارش در این زمینه، قیمت خاک به فراری یکصد ریال از حقوق شما کسر خواهد شد و در صورت تکرار از کار بر کنار خواهید شد (توحیدی، ۱۳۸۱: ۵۹). در واقع ارگ بم در خلال سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۰۹ که خالی از سکنه شده بود، با بیشترین تخریب از سوی مردم مواجهه شد (باستانی‌پاریزی، ۱۳۸۵: ۴؛ محلّاتی، ۱۳۷۱: ۱/۴۸ و ۱۴؛ بهرامی، ۱۳۹۴: ۷۵۸-۷۵۷). اما این موضوع به نوبه خود موجب غارت و سرقت اشیاء عتیقه و باستانی موجود در قلعه بم شد؛ لذا وزارت داخله با ارسال نامه‌ای به وزارت مالیه درخواست نمود تا به منظور حفاظت آثار و اشیاء موجود و انجام تعمیرات باقی مانده؛ ارگ بم در اختیار شهرداری بم قرار گیرد (اسعدپور بهزادی، ۱۳۷۰: ۱۰۲). پس از آن در سال ۱۳۹۲ ه.ش وزارت داخله براساس نامه‌ای (ساکما، شماره ۴۱۶-۴۰۰۵۰۵۷۲)، ضمن انعکاس تلگراف حاکم کرمان مبنی بر اهمیت و ضرورت مرمت ارگ تاریخی بم به وزارت مالیه، از آن وزارتخانه درخواست نمود تا قبل از خرابی بیشتر ارگ در این خصوص اقدام گردد. ادامه مکاتبات مذکور منجر به اخذ تصمیم از سوی کابینه وقت در واگذاری محوطه ارگ بم به بلدیة شهر مذکور گردید (کریمیان، ۱۳۸۶: ۶۷؛ وزارت مسکن و شهرسازی استان کرمان، ۱۳۸۳: طرح ویژه ساختاری و تفضیلی شهر بم: ۱۰/۳۶).

در واقع ارگ بم علاوه بر آن که در دوره قاجار مرمت و بازسازی شد، دوبار نیز در دوران محمدرضا شاه مرمت گردید. در ۱۳۳۷ که مردم با خاکبرداری‌های مکرر راهی از مقابل ورودی مسجد به قلعه باز کرده و موجب تخریب آن شده بودند، تلاش‌های حسن درخشان و حمایت‌های مالی حاج ماشاءالله مصطفوی (تنها مأمور حفاظت از ارگ بم) موجب شد تا توسط اداره فرهنگ و زیر نظر اداره کل باستان‌شناسی مرمت ارگ بم بخصوص در عمارت چهار فصل انجام شود. عمارت قورخانه (سرباز خانه) نیز که تا سال ۱۳۰۹ ه.ش به عنوان پاسگاه ژاندارمری استفاده می‌شد در ۱۳۳۷ ش/۱۹۵۹م توسط اداره فرهنگ حفاظت گردید، با این وجود، ارگ بم آسیب فراوان دیده بود تا آن که سرانجام در ۱۳۴۸ حفاظت از مجموعه ارگ بم سرلوحه کار دولت قرار گرفت (وزارت مسکن و شهرسازی استان کرمان، ۱۳۸۳: طرح ویژه ساختاری و تفضیلی شهر بم، ۱/۶-۵۹ و ۵۰-۴۶). مسجد جامع نیز در ۱۳۳۷ ش مرمت شد و تا ۱۳۵۴ ش فعال و مرکز برگزاری نماز جمعه بود (توحیدی، ۱۳۸۱: ۳۹-۳۸). همچنین سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۳۷ ش، هم زمان با تعمیر پله‌های ورودی ساختمان چهارفصل، داخل این بنا و برج دیدبانی اصلی قلعه را نیز سفید کردند. این تعمیر مقطعی و ناهماهنگ را

اولین بازسازی بناهای ارگ بم بعد از ترک کامل آن در زمان پهلوی دانسته‌اند (مهریار، ۱۳۸۳: ۴۶). در ۱۳۵۲ سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران تعمیرات تدریجی قلعه باستانی بم را در دستور کار خود قرار داد، لیکن به دلیل اندک بودن اعتبارات مالی جهت مرمت، تنها تعمیرات مختصری در ارگ حکومتی انجام گردید (کریمیان، ۱۳۸۳: ۷۰-۶۹؛ طیاری، ۱۳۷۶: ۵-۹) و به سنگفرش نمودن کوچه‌های ارگ بسنده شد. درب ورودی دروازه حکومتی قلعه بم نیز در ۱۳۵۴ ش در زمان ساخت فیلم سینمایی «صحرای تاتارها» به کارگردانی زولینی (کارگردان فرانسوی) نصب گردید (توحیدی، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۶، ۵۹) و از ارگ بم برای تهیه این فیلم استفاده شد. (بهرامی، ۱۳۹۴: ۷۶۰-۷۵۹).

۲.۲. تحولات کالبدی شهر جدید بم

بین سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۲۰ حوادثی مانند ورود ایران به جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن، استعفای رضاشاه و خروج وی از کشور در کالبد شهرها اثر گذار بود. ضربه خوردن اقتصاد کشاورزی و مختل شدن زندگی کشاورزان، صدور کالاهای کشاورزی و کاهش رونق شهرها، اختلال در برنامه‌های عمرانی شهرها و توقف رشد اقتصادی تا حدودی موجب رکود نوسازی گردید که تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تداوم یافت. با انجام برنامه دوم عمرانی، سیستم‌های پست، تلگراف، لوله‌کشی آب، تأمین برق، افزایش ادارات و امور خدماتی سرلوحه اصلاحات دولت قرار گرفت (مشهدی‌زاده دهقانی، ۱۳۷۴: ۵۰). در حکومت محمدرضا، شهرسازی در بخش و شهر جدید بم گسترش یافت به گونه‌ای که در ۱۳۳۲ این شهر دارای ۵۰۰ دهنه مغازه برای تبادل کالاهای گوناگون بود (محلای، ۱۳۷۱: ۱/ ۱۵۱). در این میان علاوه بر ادارات، بیمارستان‌ها، مدارس و... افتتاح شدند (بهرامی، ۱۳۹۴: ۷۵۴). در سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۲۰ ساختار کالبدی شهر بم با دگرگونی اساسی مواجه شد؛ چنان که در کنار خیابان‌ها و راه‌های مرصعاتی، بازارها و مغازه‌های تازه با محصولات جدید احداث شدند (معینی فر، ۱۳۷۶: ۱۲۴-۱۲۳). در دوران مزبور فردی به نام آرشام عامری در توسعه شهر بم نقش موثری ایفاء نمود.

در ۱۳۲۵ اولین خیابان شهر بم که ناقص مانده بود با جهت شمال امتداد یافت، و قسمت انتهایی بازار امیر را قطع نموده و تا حوالی کوچه دارایی گسترش داده شد. در وسط خیابان مزبور میدانی به نام شهرداری احداث گردید. همچنین از این میدان در بستر رودخانه قدیم خیابانی به طول ۱۱۰۰ متر در جهت غرب کشیده شد که در انتهای غربی آن میدان دیگری به نام ژاندارمری احداث گردید. پس از آن میدان فرمانداری به عنوان سومین میدان شهر در انتهای جنوبی همان خیابان اول شهر ایجاد شد که با میدان شمالی فاصله‌ای در حدود ۱۱۰۰ متر داشت. این مجموعه در واقع یک خیابان طویل با جهت شمالی و جنوبی و یک خیابان غربی- شرقی که عمود بر دومی بود، در شبکه عمومی شهر ایجاد شد. مدتی بعد دو بازار به موازات بازار امیر در قسمت انتهایی خیابان کاشانی (اولین خیابان شهر) احداث گردید.

بم در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۲۰ به دلیل گسترش باغات خرما و نخلستان‌ها، توسعه‌ای به صورت واحدهای مسکونی پراکنده و ناهمگن یافت، به گونه‌ای که حتی باغات شهر را در بر گرفت. اما به علت وجود فضای کافی جهت گسترش

شهر در اطراف باغات تا ۱۳۳۵ این روند تداوم یافت که نتیجه نهایی آن افزوده شدن محلات و نواحی جدید در کنار قدیمی‌ترین محلات و مناطق بم بود. نه تنها شهر در این دوره به واسطه قنات‌ها و منابع آبی کشاورزی (که اصولاً در روستاها انجام می‌شود) بخصوص در زمینه باغات حصارکشی شده و تفکیکی خرما رونق یافت، بلکه به واسطه گسترش بازارها در زمینه تجاری پیشرفت نمود.

بین سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۳۵ توسعه شهر بم به سمت شرق از میدان مرکزی (میدان شهرداری) با گمانه زنی به سمت جنوب شرقی و تبعیت از بستر رودخانه تا حمام کتو امتداد یافت و خیابان دیگری موازی اولین خیابان شهر به سمت شمال از بستر رودخانه مزبور کشیده شد و تا نزدیکی ارگ گسترش داده شد. به این ترتیب فضاهای باز و خالی میان محلات قدیم و جدید شهر از برجسته‌ترین موارد توسعه شهر بم در دهه مزبور بود. علاوه بر این در بخش‌های شمالی، رودخانه شمال شهر و جنوبی، بخصوص جنوب غربی که دارای باغات نخل فزاینده است به صورت درهم و پراکنده توسعه یافت. همچنین در بخش غربی شهر یک سیل بند و تغییر جهت دادن رودخانه به صورت کمّانی به سمت شمال و در نهایت پیوستن آن به رودخانه شمال شهر صورت پذیرفت؛ اما در سال‌های مزبور در بخش شمال شرقی شهر بم توسعه‌ای صورت نگرفت.

بین سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۴۵ رشد اندام‌های بم در قسمت شمال با همان سیستم کوچه‌های مستقیم و مسیرهای عمود بر هم تداوم و تا ساحل راست رودخانه بم گسترده شد. در قسمت شرقی نیز ابتدا باقی مانده مسیر رودخانه قدیمی وسط شهر به تصرف امتداد خیابان منشعب از میدان اولیه و اصلی شهر (شهرداری) در آمد که در نتیجه این خیابان به میدان بزرگی منتهی گردید. سپس از میدان مزبور تا درب ورودی گورستان عمومی شهر یک خیابان کشیده شد که دو طرف آن به تصرف مهاجران روستاهای بروات، نارتیچ، کرک و دارستان در آمد، پیامد نهایی آن ایجاد محله‌ای با بافت درهم در حاشیه شرقی دروازه ورودی روستاهایشان بود. شهر بم در قسمت‌های شمال شرقی و شمال غربی به صورت یکسان گسترش نیافت. همچنین در قسمت جنوب شرقی شهر، بورس بازی زمین آغاز گردید (محلّاتی، ۱۳۷۱: ۱/۱۶۶؛ معینی‌فر، ۱۳۷۶: ۱۲۴-۱۱۹). ایجاد صنایع مونتاژ و کاهش فعالیت‌های کشاورزی سنتی اثرات ناپهنجاری در بافت اقتصادی و اجتماعی روستاها ایجاد نمود (مشهدی‌زاده دهقانی، ۱۳۷۴: ۵۳؛ معینی‌فر، ۱۳۷۶: ۱۲۴). در این میان هرچند حتی صنایع کوچک مونتاژ ابتدا در شهر بم برپا نشد، اما نقش امور اداری و خدماتی آن افزایش یافت.

۳. سیر توسعه فضایی و رشد بم در دوره پهلوی

در یک نگاه کلی تحولات تاریخی- کالبدی و فضایی شهر بم در دوران نوسازی، مدرنیته و دوره پهلوی در دو مقطع صورت گرفت:

۱.۳.۱. ایجاد بافت میانی شهر بم (۱۳۴۲-۱۳۰۰)

این دوران از حکومت رضاشاه تا اصلاحات ارضی ۱۳۴۲ را در بر دارد که در خلال آن بافت تازه‌ای در پیرامون بافت قدیم ایجاد شد که بافت میانی آن را تشکیل داد و به تدریج هسته و بافت قدیمی را در بر گرفت که این روند تا دهه ۱۳۴۰ تداوم یافت. بافت میانی موجب تغییرات کالبدی در بخش قدیم بم شد که بر اساس آن خیابان‌های جدید به عنوان اولین نمود شهرسازی خود را نشان داد. همچنین ساختمان‌ها در لبه خیابان‌ها احداث شد در حالی که بخش‌های عقب آن‌ها دست نخورده باقی ماند. در مرحله بعد تخریب بافت قدیمی و کهن شهر همراه با ایجاد میدان (امام خمینی فعلی) در مرکز و خیابان‌های عمود برهم (پاسداران، شریعتی و امام خمینی کنونی) احداث شد که بافت میانی به موازات آن‌ها گسترش یافت. علاوه بر این ایجاد پیاده رو و نما سازی در لبه خیابان‌ها و درختکاری آن‌ها در بافت میانی انجام شد. با این وجود تعادل میان شهر با مزارع و باغات آن برقرار بود. همچنین ادارات به سبک جدید مانند شهرداری، فرمانداری، اداره فرهنگ، بهداشتی و... در دو طرف شمالی- جنوبی خیابان‌های جدید احداث گردید. در ساختمان‌های بافت میانی از نقشه منظم (به جای نقشه‌های پیچ در پیچ قدیم) و مصالح نسبتاً جدیدی برای ساختمان سازی استفاده شد، اما سبک معماری همانند قبل بود و رشد شهر در مسیر تقسیم مزارع، باغات و آبیاری آن‌ها صورت پذیرفت.

بدین ترتیب احداث خیابان، میدان‌ها، فلکه‌های جدید، تبدیل بخشی از بازار به خیابان، عبور خیابان‌ها از داخل برخی محلات قدیمی و توسعه مرکزیت اداری انجام گردید. در این میان ایجاد ساختمان‌های غیربومی و توسعه بدون ضابطه، ضربه مهلکی به بافت اندام وار (کالبدی، اقتصادی و اجتماعی) شهر وارد نمود و علاوه بر آن استخوان‌بندی جدید کالبدی در جوار راه‌های اصلی با الگوی شبکه‌ای ایجاد گردید و کاربری‌های جدید با بافت باز و متشکل از ساختمان‌ها و بناهای پراکنده که به هیچ وجه از بافت قدیمی تبعیت نمی‌کرد، ظهور نمودند. علاوه بر این خیابان‌های جدید و عریض با ساختمان‌های متشکل از اسکلت فلزی و بتن آرمه بافت جدید در بافت قدیمی نفوذ کرد. با این وجود هم زیستی دو بافت قدیم و جدید در کالبد شهر تا حدودی تداوم یافت. علاوه بر خیابان‌ها، مراکز تجاری، تجزیه طبقاتی و استقرار مراکز دولتی در بخش‌های نوساز و مناسب احداث گردید، اما بازار قدیمی تضعیف شد. همچنین ایجاد یک برش صلیبی شکل در داخل بافت و یک میدان، ایجاد شبکه اصلی دسترسی سواره، ایجاد یک مجموعه عناصر جدید در خارج از بافت قدیم نیز در بم ایجاد شد که کارخانه‌ها، راه آهن و... در زمره آنهاست.

درباره تحولات کالبدی شهر بم در دوره مزبور گزارشات و اسنادی وجود دارد. برای نمونه سند مرتبط با اخبار فرهنگی شهرستان بم در خصوص برگزاری کنفرانس فرهنگیان و واگذاری زمین به اداره فرهنگ در ۱۳۳۶ از سوی اداره فرهنگ شهرستان بم- در نامه شماره- ۹۰۰- در ۱۳۳۶/۲/۱۵ به امضای بهشتی- رئیس اداره فرهنگ شهرستان بم، و تقاضای پخش آن در برنامه رادیویی و جراید کشور (ساکما، سند شماره- ۲۹۷۰۲۲۳۶۲). گزارش دیگر از سوی وزارت دارایی مربوط به تقاضای واگذاری عمارت مخروبه خالصجات بم به اداره گمرگ در ۱۳۳۷ به امضای مولایی (وزیر گمرکات و

انحصارات) موجود است. ملک مزبور از املاک دولتی دارای پلاک شماره- ۳۸۲۳ به مساحت چهارهزار متر و دارای دو ساختمان قدیمی بوده است (ساکما، سند شماره- ۳۹۸۷۷/۰۳۴۰). همچنین گزارش دیگری از سوی وزارت گمرکات و انحصارات درباره واگذاری عمارت مخروبه پلاک ۲۸۲۳ خالصه شهرستان بم به اداره گمرک در ۳۷/۳/۱۸ و به شماره ۶۶۰۵ با امضای کریمی رئیس اداره ساختمان کل گمرک وجود دارد (ساکما، سند شماره- ۳۹۸۷۷/۰۳۴۰).

۳.۲. ایجاد بافت جدید (۱۳۵۶-۱۳۴۲)

پس از اصلاحات ارضی تا ۱۳۵۶ رشد شهر نشینی، ایجاد تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه کالبدی شهر بم انجام شد. جذب کار و نیروی مهاجر و توسعه حاشیه نشینی، شهر بم ضمن مرکزیت سیاسی به مرکز اداری و خدماتی (مراکز بهداشتی، درمانی، آموزشی، اداری، فرهنگی، تجاری) شهرستان تبدیل گردید. در زمینه اقتصادی افول کارگاه‌های پارچه بافی در برابر منسوجات خارجی و فرش ماشینی به جای دست بافت، رونق صنایع کارخانه‌ای، پیدایش شبکه‌های ارتباطی بخصوص در میان روستاها و بم، تبدیل آن به یک شهر مرکزی پیرامون روستاها، بهره‌مندی از راه آهن و ارتباط محوری راه‌های مهم و گسترش سکونت مهاجران روستایی در حواشی بم صورت گرفت.

در واقع بافت جدید بم در گرداگرد بافت قبلی شهر ایجاد شد. با اقدامات عمرانی از قبیل خیابان‌کشی، آسفالت، ساختمان‌های اداری، سیستم لوله‌کشی آب آشامیدنی و مصرفی، گسترش ساختمان سازی توسط بخش خصوصی، افزایش مهاجرت‌ها، ساخت و ساز داخل شهرها، رواج شدید بورس بازی، گسترش حاشیه نشینی، گسترش فیزیکی شهر بدون هیچ ضابطه قانونی و کنترل سازمان‌های دولتی، پرشدن فضاهای خالی میان محلات قدیم و جدید نمود یافت. بین سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ شهر بم به غیر از نواحی شمال غربی و شمال شرقی، در بقیه جهات به صورت تقریباً یکسان گسترش یافت و شهر در سمت شمال تا ساحل راست رود بم با مسیرهای عمود و کوچه‌های مستقیم پیشرفت نمود. علاوه بر این وجود بافت متراکم واحدهای مسکونی و معابر به دلیل عدم وجود باغات و ظاهر متفاوت محلات شمال غربی، غرب و نواحی جنوبی بم در دوره مزبور صورت پذیرفت. در این دوران میداين شهرداری، فرمانداری و ژاندارمری احداث شدند. علاوه بر این اولین خیابان (بهمن)، دومین خیابان در امتداد خیابان اول و سومین خیابان عمود بر خیابان اول همراه با ۳ بازار موازی به عنوان مراکز عمده فروشی در شهر بم برپا شدند. در سمت جنوب شرقی شهر بم نیز بورس بازی، خریداری و تفکیک قطعات اراضی میان محلات عیش‌آباد بالا و پایین، تقسیم باغات فخرآباد به قطعات کوچک، احداث یک خیابان با کوچه‌های عمود بر آن و فروختن آن به مهاجر نشین‌های بم، بروات و نرماشیر بروز یافت.

درباره تحولات کالبدی بم در دوره مزبور گزارشی از سوی دفتر اعتبارات درباره افزایش بودجه جهت تکمیل ساختمان دبستان پروین و تهیه وسایل آن در ۱۳۴۴ در بم، به شماره ۴۵۳۵/د.ع در ۱۳۴۴/۱۱/۳۰ با امضای رادمند-دبیر هیئت عامل برنامه وجود دارد (ساکما، سند شماره- ۲۲۰/۹۱۷۲، طرح شماره- ۵۱۰۲۰۱). همچنین اسناد و گزارش‌هایی مبنی بر طرح لوله‌کشی آب بم وجود دارد؛ از جمله: گزارشی از گروه مهندسان مشاور آبکار- عضو انجمن مهندسان مشاور

ایران در ۱۳۴۷/۱۰/۳ خطاب به سازمان برنامه کمیته عمران شهرویه در زمینه استرداد سپرده حسن انجام کار چاه شهرداری بم به شماره ۲۰۰۱/۷۷۱ در دست است (ساکما، شماره سند- ۲۲۰/۹۷۵۶). گزارش بعدی در خصوص طرح عمرانی تأمین آب مشروب و آشامیدنی شهر بم از سوی سازمان برنامه مورخ ۱۳۵۲/۷/۷ به امضای محمد تقی نورایی (رئیس دفتر اعتبارات طرح‌ها) است (ساکما، شماره سند- ۲۲۰۰۰۲۳۲۴). سند دیگری درباره کار پروژه لوله‌کشی آب شهر بم از سوی سازمان برنامه باستناد نامه شماره ۵۳۶- مورخ ۴۷/۴/۴۲ و پرداخت کلیه هزینه‌های آن به صورت اقساطی با امضای رئیس کمیته عمران شهرویه- ممقانی موجود است (ساکما، شماره سند- ۲۲۰/۹۷۵۶).

از ۱۳۵۴ به بعد بم در نتیجه توسعه اقتصادی و سیاسی به مرکزیت اداری- سیاسی تبدیل شد و در زمینه کشاورزی شهرهای جیرفت و بروات جایگزین بم شدند. علاوه بر این بم به یک استراحتگاه و توقفگاه بین راهی تبدیل شد و پس از آن در نتیجه تغییر راه ارتباطی شهرهای کرمان- زاهدان و متمایل شدن آن اندکی به سمت جنوب، موجب اتصال شبکه‌های خیابانی شهر با انشعابات به جاده و گسترش شهر به سمت جنوب، جنوب‌غربی و غرب شد (محلای، ۱۳۷۱: ج ۱، ۱۶۶).

۳.۳. رشد حاشیه نشینی

«حاشیه نشینی» در مفهوم کلی به کسی اطلاق می‌گردد که در شهر سکونت دارد، اما به عللی نتوانسته جذب نظام اقتصادی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند (انتظاری، ۱۳۶۸: ۹۱؛ عابدین درکوش ۱۳۶۴: ۱۳۷). رشد حاشیه نشینی از مهمترین تحولات کالبدی در این دوره است که در نتیجه سکنی‌گزیدن مهاجران و اسکان روستائیان در شهر به دلایل مختلف (مشهدی‌زاده دهاقانی، ۱۳۷۴: ۱۴۱، ۱۳۷، ۱۱۹)، از جمله تفاوت‌های مذهبی، نژادی و زبانی، پایگاه اجتماعی، در آمد اقتصادی، شغل و... است که عواقبی همانند تخریب اراضی کشاورزی و باغات پیرامون شهرها، مختل کردن برنامه‌های توسعه شهری و... را به ارمغان می‌آورد (بهادری، ۱۳۸۲: ج ۱، ۲۰۵-۲۰۴). در ۱۳۳۵ حدود ۲۰/۱ درصد از جمعیت شهرستان بم در شهرها اقامت داشتند، اما پس از آن جمعیت این شهر در نتیجه ورود مهاجران افزایش یافت.

شهر بم به لحاظ قرار گرفتن در حاشیه کویر و موقعیت خاص طبیعی محدودیتی برای توسعه ندارد. با این وجود عواملی همانند تأمین آب، مسیل‌های شرقی و غربی، مسیل عریض شمالی آن (که اغلب خشک و مانع از توسعه شهر به سمت شمال و شمال‌غربی است)، اتصال نواحی شمال و شمال‌شرق آن با اراضی کویری، مسیل‌های غربی و اراضی شنی (بخصوص در غرب آن)، باغات گسترده و وسیع، گورستان عمومی در حاشیه شرقی مانع از توسعه شهر است، اما در جنوب شهر مشکل عمده‌ای برای توسعه وجود ندارد. به تدریج افزایش جمعیت در بم و عواملی همانند: پایین بودن قیمت اراضی بایر و حواشی شهر، دسترسی راحت تر روستائیان به راه ارتباطی با روستای خود (محلای، ۱۳۷۱: ۱/۱)، موجب سکنی‌گزیدن برخی از سکنه و مهاجران به حاشیه ارگ بم و حواشی شرقی، جنوب‌شرقی و غربی شد که از امکانات رفاهی، فرهنگی، آموزشی و فضای سبز مناسب برخوردار نبوده، همچنین خانواده‌های حاشیه نشین بم،

دارای جمعیت بسیار بوده و فقر و بیکاری و جرائم اجتماعی در میان آن‌ها بالاست. به علاوه منازل مسکونی آنان غالباً در جوار یکدیگر و در اطراف کوچه‌های عمود بر هم شکل گرفته و راه‌های ارتباطی تا حدودی در کنار واقع شده و فضاهای بایر و باز از زباله و اشیای کهنه آکنده است. علاوه بر حاشیه‌نشینی وجود بافت‌های خالی و قطعات پراکنده که نه تنها از نظر سیمای شهر، چهره‌ای نامناسب بدان بخشیده، بلکه دارای مخاطراتی از نظر اقتصادی و امنیت اجتماعی است که از دیگر مشکلات کالبدی بوم است. با این وجود اغلب ساخت و سازها به صورت عمودی صورت گرفته است (وزارت مسکن و شهرسازی کرمان، ۱۳۷۵: طرح جامع شهر و شهرستان بوم، ۸/۷). مدرسه احمدیه یک بنای تاریخی مربوط به دوره پهلوی است. خانه سروش زابلستانی واقع در محله کوزران در شهر بوم از دیگر بناهای تاریخی مربوط به دوره پهلوی در شهر بوم است.

نتیجه‌گیری

ایران در دوره قاجار با مدرنیته غربی مواجهه شد که از دوران ناصرالدین شاه قاجار و در آستانه انقلاب مشروطه در ساختارهای جامعه ایران و از جمله شهرسازی و فضای کالبدی شهرها تحولاتی را بر جای نهاد که ابتدا از شهر تهران آغاز و سپس در شهرهای دیگر اعمال شد. اما از آنجایی که در دوره قاجار ایران در دوران گذار از سنت به مدرنیته بود، تغییرات کالبدی شهرها چندان محسوس نبود و از شهرسازی سبک صفوی و سبک تهران به صورت تلفیقی استفاده می‌شد. با تشکیل سلسله پهلوی توسط رضا شاه، از آنجایی که وی تحت تأثیر جریان‌های مدرنیزاسیون، باستان‌گرایی، نظامی‌گری، استفاده از خارجی‌ان در ساخت ابنیه صنعتی و کارخانجات قرار داشت، به ایجاد بناهای تلفیقی توجه نمود. تحولات کالبدی شهرها در ۱۳۱۲ از شهر تهران و طراحی جدید آن با تهیه اولین نقشه خیابان‌ها، تخریب دارالخلافه ناصری و ایجاد خیابان‌های جدید با محورهای شرقی-غربی و شمالی-جنوبی (چلیپایی)، ایجاد میدان‌ها، تعریض معابر و شکل‌گیری بخش‌های شمالی شهر آغاز شد که پس از آن در سراسر شهرهای مهم به کار برده شد که در نتیجه آن به سازمان محله‌ای و بازارهای اصلی شهرها ضربه‌ای مهلک وارد آمد. در دوران رضا شاه پهلوی تغییرات گسترده‌ای در ساختار شهری و نظام بوروکراسی اداری و نهادهای حکومتی پدیدار شد. شهرهای سنتی (در برابر صنعتی) متعاقب تخریب برج و باروها، احداث میدانی و ساختمان‌های جدید حکومتی، خیابان‌کشی‌ها و... در این دگرگونی‌ها سهیم شدند. در دوران رضا شاه متعاقب خروج نظامیان از قلعه و بخش قدیم بوم کاربری نظامی ارگ خاتمه یافت. پس از آن خیابان چلیپایی عمود از شمال به جنوب در شهر بوم احداث شد که بخشی از باغات اشراف همانند سردار مجلل را نیز شامل می‌شد. در ۱۳۱۶ ه.ق بوم مرکزیت شهری یافت و خیابان‌های مرکزی شهر ایجاد شدند. در سال‌های بعد خیابان‌های دیگری به خیابان اصلی شهر متصل گردید و به تدریج مغازه‌ها، ساختمان‌های اداری و جدید در جوار خیابان‌های مزبور احداث گردید. علاوه بر این در آغاز دوره پهلوی به دلیل کندی رشد جمعیت و بطئی بودن توسعه کالبدی شهر، دگرگونی در نظام شهری و معماری محدود به بافت‌های نوساز، محلات اعیان‌نشین، ساختمان‌های حکومتی، میدان‌ها و خیابان‌های اصلی شهر بود، اما با این وجود بخش اعظم ساکنین شهر در محلات قدیمی زندگی می‌کردند. این موضوع بیانگر تعامل مثبت میان سنت و مدرنیته در زمینه کالبد شهری است. با این وجود به دلایلی

همانند عدم تغییر آنچنانی نقش و عملکرد شهرها نسبت به دوره قبل، تداوم بنیان‌های اقتصادی و نظام زمینداری؛ تغییرات مزبور باعث دگرگونی بنیادی، همه جانبه و فراگیر در نظام کالبدی - ساختاری و سیمای شهری کشور نشد. علاوه بر این تغییرات انجام گرفته عمدتاً شکلی بود چون نه از نقش نوین شهری - مثل عملکرد شهر در کشورهای صنعتی برخوردار بود و نه از ضرورت‌ها و الزامات شهرنشینی جدید ناشی شده بود. سال‌های ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰ ه.ش آغاز گر واقعی دگرگونی نظام شهری در ایران می‌باشد. در این راستا شهرهای قدیم در حال فروریزی و شهرهای جدید در حال شکل‌گیری بودند. متعاقب اصلاحات ارضی و فروریزی اقتدارآربابان و زمینداران، سیل مهاجرت‌های روستائیان به شهرها، ایجاد مشاغل جدید متنوع، طرح حقوق شهروندی، گروه‌بندی‌های جدید اجتماعی، رشد صنایع مونتاژی و مصرفی، تبدیل شهرها به مراکز تولید علم، ثروت و... موجب دگرگونی (هرچند به صورت کند) در عملکرد، ساختار و سیمای شهرها در بنای ساختمان‌های حکومتی، خیابان‌ها، میادین، محلات شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ گردید. در این میان شهر جدید بم نیز گسترش یافت به گونه‌ای که در خلال سال‌های ۱۳۳۰ - ۱۳۲۰ دارای مغازه‌های بسیار (بالغ بر ۵۰۰ باب)، راه‌ها، ادارات، بیمارستان‌ها و مدارس جدید و ورود محصولات جدیدی در بازارهای آن گردید. علاوه بر این ارگ و قلعه قدیمی شهر مرمت شد و شهردار بم موظف رسیدگی به امور قلعه بم شد. مدتی بعد در ۱۳۳۷ عمارت چهارفصل، قورخانه و مسجد جامع و در ۱۳۵۲ سنگفرش آن انجام گردید. در ۱۳۳۶ تحولات شهرسازی در ایران موج تازه‌ای یافت؛ به گونه‌ای که متعاقب تداوم گرایش به مدرنیزاسیون، تجدد طلبی و غرب ستایی، تعداد ۵ برنامه توسعه اقتصادی در ایران برنامه ریزی شد که بخش‌هایی از آن تحولات کالبدی شهرها را در بر می‌گرفت. اما نکته اساسی در روند تحولات تاریخی - کالبدی شهر بم از تأسیس سلسله پهلوی تا اصلاحات ارضی در ۱۳۴۲، ایجاد بافت میانی شهر بم در پیرامون بافت قدیم آن بود که خیابان کشی‌های جدید در آن به عنوان اولین نمود تحول کالبدی شهر خود را نشان داد. تخریب بافت قدیمی، تبدیل بخشی از بازار به خیابان، احداث میدان در مرکز شهر و خیابان‌های عمود بر هم، برپایی ساختمان‌ها در لبه خیابان‌ها، ادارات به سبک جدید مانند شهرداری، فرمانداری، اداره فرهنگ، بهداشتی و... با نقشه جدید و رشد شهر در مسیر تقسیم مزارع، باغات و آبیاری آن‌ها در دوره مزبور صورت پذیرفت. هر چند بافت جدید در بافت قدیمی نفوذ کرد، با این وجود هم زیستی دو بافت قدیم و جدید در کالبد شهر تا حدودی تداوم یافت. دومین تحول تاریخی - کالبدی شهر بم ایجاد بافت جدید شهر در (۱۳۵۶ - ۱۳۴۲) بود. در این میان متعاقب جذب کار و نیروی مهاجر و توسعه حاشیه نشینی، شهر بم ضمن مرکزیت سیاسی به مرکز اداری و خدماتی (مراکز بهداشتی، درمانی، آموزشی، اداری، فرهنگی، تجاری) شهرستان تبدیل گردید. در دوره مزبور توسعه شهر بم در سمت شمال تا ساحل راست رود بم با مسیرهای عمود و کوچه‌های مستقیم صورت گرفت و میادین سه گانه در آن احداث گردید. علاوه بر این وجود بافت متراکم واحدهای مسکونی و معابر به دلیل عدم وجود باغات و ظاهر متفاوت محلات شمال غربی و غرب و نواحی جنوبی شهر بم در دوره مزبور صورت پذیرفت. همچنین در سمت جنوب شرقی بم نیز بورس بازی زمین و فروش آن به مهاجر نشین‌های بم، بروات و نرماشیر بروز یافت، که روند حاشیه نشینی در این شهر را گسترش داد.

منابع

کتاب‌ها

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آخوندزاده، میرزا فتحعلی. (بی‌تا). مکتوبات کمال‌الدوله، بی‌جا: بی‌نا.
- آخوندزاده، میرزا فتحعلی. (۱۳۵۷). الفبای جدید و مکتوبات، به کوشش حمید آخوندزاده، تبریز: نشر احیا.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۴۹). اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۷). اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تهران: پیام.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۹۲). امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون. (بی‌تا). اندیشه‌های طالبوف تبریزی، تهران: دماوند.
- اسعدپور بهزادی، زهرا. (۱۳۷۹). شاهد شهریان، تهران: پیکان.
- اسعدپور بهزادی، زهرا. (۱۳۷۰). الماس کویر، کرج: پایا.
- اعتصامی، ایرج، (۱۳۷۴). بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران و اروپا. ج ۳، تهران: میراث فرهنگی.
- اعتماد، گیتی. (۱۳۶۳). «مهاجرت در ایران در دهه‌های اخیر». در کتاب شهرنشینی در ایران، نوشته فرخ حسامیان، گیتی اعتماد و محمدرضا حائری، تهران: آگاه.
- انتخابی، نادر. (۱۳۹۰). ناسیونالیسم و تجدد در ایران و ترکیه، تهران: نگاره آفتاب.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۵). فرمانفرمای عالم، چاپ پنجم، تهران: علم.
- بانی، امیر مسعود. (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران، تهران: نشر هنر.
- بهادری، جواد. (۱۳۸۲). «حاشیه‌نشینی مشکل اساسی شهرهای بزرگ»؛ مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران، دانشگاه شیراز: دانشکده هنر و معماری، زیر نظر مهیار اردشیری، ج ۱، ساخت کالبدی شهر.
- بهرامی، مانی. (۱۳۹۴). تاریخ جامع بم و ارگ بم، تهران: مؤلف.
- توحیدی، سید محمود. (۱۳۸۱). ارگ نامه: نگرشی بر ارگ بم در بستر تاریخ، کرمان: مرکز کرمان شناسی، چاپ دوم.
- جابری مقدم، مرتضی‌هادی. (۱۳۸۴). شهر و مدرنیته، تهران: فرهنگستان هنر.
- جهانبگلو، رامین. (۱۳۸۴). موج چهارم، ترجمه منصور گودرزی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- حائری، عبدالهادی. (۱۳۶۴). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: امیرکبیر.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۳). از شار تا شهر - تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن - تفکر و تأثر، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۵). شرح جریانهای فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- زرشناس، شهریار. (۱۳۹۳). واژه‌نامه سیاسی فرهنگی، قم: نشر معارف.

صارمی، علی اکبر. (۱۳۷۶). ارزش‌های پایداری در معماری ایران، تهران: میراث فرهنگی.

طالبوف، عبدالرحیم. (۱۳۵۶). مسائل الحیات به کوشش باقر مومنی، تهران: شبگیر.

طیاری، حسین. (۱۳۷۶). گزارش عملکرد پروژه ارگ بم از ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴، ج ۵، تهران: مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران.

عابدین درکوش، سعید. (۱۳۶۴). درآمدی بر اقتصاد شهری، تهران: نشر دانشگاهی.

غنی‌نژاد، موسی. (۱۳۷۷). تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر، تهران: نشر مرکز.

فقیه، نسرين. (بی‌تا). آغاز معماری و ضوابط معماری در تهران، تهران: هنرهای معاصر.

کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۱). مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.

کرمانی، ناظم‌الاسلام. (۱۳۵۷). تاریخ بیداری ایرانیان در ایران، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

کسروی، احمد. (۱۳۶۴). تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.

کیانی، مصطفی. (بی‌تا). معماری در دوره پهلوی اول، تهران: نشر هنر.

الگار، حامد. (۱۳۶۹). دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: قدس.

محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۵۴). تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، تهران: دانشگاه تهران.

محلای، محمدمهدی. (۱۳۶۷). جغرافیای شهر بم، ج ۱، تهران: اسلامی.

مختاری طالقانی، اسکندر. (۱۳۸۸). تلفیق مدرنیسم و معماری ایرانی، بی‌جا: بی‌نا.

مزینی، منوچهر. (۱۳۸۱). مقالاتی در باب شهر و شهرسازی، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.

مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر. (۱۳۷۴). تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، چاپ دوم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

نصر، طاهره - سه‌ها. (۱۳۸۳). شیراز در دوره‌ی پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۰ خورشیدی)، تهران: روزنه کار.

مقالات

احمدپور، احمد؛ وفایی، ابودر. (۱۳۹۶). «تأثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی - فضایی شهر ایرانی - اسلامی» مطالعه موردی: شهر کاشان». تهران: فصلنامه مطالعات شهرهای ایرانی، ش ۲۸، صص ۶۳-۷۶.

انتظاری. (۱۳۶۸). «عوامل و انگیزه‌های حاشیه نشینی در شهرهای ایران»، مجله ساختمان، ش ۸، صص ۹۶-۹۰. بررسی عوامل موثر در شکل‌گیری معماری پهلوی»، خبرگزاری یزدفردا، لینک:

<http://yazdfarda.com/iranfarda/news/۱۳۹۱/۰۹/۵۷۵۳۴.html>

حائری، محمدرضا. (۱۳۸۶). «شهرنشینی و بازتاب‌های فضایی آن در تهران؛ فرهنگ فضا و فضای فرهنگی»، تهران: روزنامه اعتماد ملی، شماره ۵۴۰ به تاریخ ۸۶/۹/۲۹، لینک: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID>

۱۵۴۲۸۲۰=

- حبیبی، سید محسن. (بی‌تا). «مدرنیسم، شهر، دانشگاه دومین پژوهاک مدرنیته در ایران»، تهران: نشریه گفتگو، ش ۵؛ سایت <http://www.noormags.net/view/fa/articlepage/۳۲۰۱۴۰>
- حسامیان، فرخ (۱۳۶۳)، «شهرنشینی مرحله گذار»، در کتاب شهرنشینی در ایران، نوشته فرخ حسامیان، گیتی اعتماد و محمدرضا حائری، تهران: آگاه، صص ۶۸-۱۷.
- حسین‌زاده دلیر، کریم؛ هوشیار، حسن. (۱۳۸۴). «مدرنیسم و تاثیر آن بر معماری و شهرسازی ایران»، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی، شماره ۱۹.
- رجبی، پرویز. (۱۳۵۵). معماری ایران، در دوره پهلوی، تهران: دانشگاه تهران.
- شاه حسینی، پروانه. (۱۳۸۶). «فرایند شکل‌گیری و رشد شهرهای ایران». تهران: اطلاعات سیاسی - اقتصادی، خرداد و تیر، ش ۲۳۸ - ۲۳۷.
- سعیدی رضوانی، نوید. (۱۳۷۱). «شهرنشینی و شهرسازی در دوره بیست ساله ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هجری شمسی (دوران حکومت رضاخان)»، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۵
- صارمی نائینی، داوود؛ جودکی عزیری، اسدالله. (۱۳۹۳). «کوشک رحیم آباد و چهار باغ تاریخی آن یادگاری از سده‌های آغازین اسلامی در ایران». مجله باغ نظر، ش ۲۰، صص ۸۸-۶۷.
- کاستی‌تایدز، آنتونی. (۱۳۸۱). روح معماری در بنیان مدرنیسم، مجله آبادی، زمستان ۸۱، شماره ۳.
- کریمیان، حسن. (۱۳۸۲). «شهر بم از پیدایش تا تخریب»، مجله اثر، ش ۳۷-۳۶، صص ۷۲-۵۴
- کریمیان، حسن. (۱۳۸۳). «روند شکل‌یابی، توسعه و تخریب شهر قدیم بم»، تهران: دانشگاه تهران، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پیاپی ۵۸۶، صص ۱۰۰-۸۱.
- مسعودی، کیومرث. «هویت شهری در ایران، آشفتگی شهری ناشی از شتابزدگی در مدرنیزاسیون است». سایت <http://mehreganmag.com/contents/mehregan۵> /هویت شهری در ایران.
- مهریار، محمد. (۱۳۸۳). «سیمای تاریخی ارگ بم»، تهران: مجله اثر، ش ۳۷-۳۶، صص ۵۴-۳۹.
- مهریار، محمد. (بی‌تا). درباره ارگ بم، بزرگترین و قدیمی‌ترین بنای خشتی و گلی جهان، تهران: مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی، سایت: <http://www.ichodoc.ir/argebam/about.htm>
- وحدت‌نژاد، وحید. (۱۳۸۶). «تأملی بر شهرسازی دوره پهلوی». نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، ش ۳۱.
- وزارت مسکن و شهرسازی استان کرمان. (۱۳۸۳)، «طرح ویژه ساختاری و تفضیلی شهر بم»، ج ۸، مشاور آرمان شهر.
- وزارت مسکن و شهرسازی استان کرمان. (۱۳۸۳). «طرح ویژه ساختاری و تفضیلی شهر بم، ضوابط و مقررات و توصیه‌های طراحی». ج ۱۰، مهندسين مشاور آرمان شهر.
- وزارت مسکن و شهرسازی کرمان. (۱۳۷۵)، «طرح جامع شهر و شهرستان بم»، ج ۷، وزارت مسکن و شهرسازی کرمان: مشاور طرح: آرمان شهر.

اسناد

سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند، ۲۲۰/۹۷۵۶

سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند، ۲۲۰/۹۷۵۶

سازمان اسناد ملی و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، شماره سند، ۲۲۰۰۰۲۳۲۴

سازمان اسناد ملی و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، سند شماره- ۲۲۰/۹۳۶۱

سازمان اسناد ملی و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، سند شماره، ۲۴۰۰۳۹۸۷۷

سازمان اسناد ملی و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، سند شماره، ۲۹۷۰۲۲۳۶۲

سازمان اسناد ملی و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، سند شماره، ۲۲۰/۹۱۷۲ - طرح شماره، ۵۱۰۲۰۱

سازمان اسناد ملی و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۳۹۸۷۷ - وزارت دارایی

سازمان اسناد ملی و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، شماره سند، ۲۹۷۰۲۸۶۰۶، شماره میکرو فیلم ۲۰۹/۱۶۳

پایان نامه‌ها

معینی فر، محمدعلی. (۱۳۷۶). «شهر پژوهی جغرافیایی بم برای پیش نگری در برنامه‌ریزی- از ارگ قدیم تا ارگ جدید»،

دانشگاه شهید بهشتی: پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای انسانی، گرایش شهری- روستایی، استاد راهنما:

دکتر مصطفی مؤمنی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی